کارگران جهان متحد شوید!

پیکار (۱۱۴)

سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

سال سوم - دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۶۰ بها ۲۰ ریال

مشخصات اساسی اوضاع کنونی و وظایف کمونیستها (۱)

[text illegible] در ادامه گسترش و مبارزه انقلاب و ضد انقلاب بر سر حفظ [illegible] دستاوردهای قیام بهمن انقلابی توده‌ها سد ارتجاع و بازپس گرفتن [illegible] حکومت قهرآمیز بیکباره سرکوبگری در شکل جدید آن، و [illegible] انقلاب و ضد انقلاب آن اندازه پیش رفته که در جریان قیام در محله [illegible] شرایط عینی برای سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی تنها تحت یک شعار [illegible] یعنی قیام مسلحانه توده‌ای انقلاب و ارتش و تعرض به مواضع قدرت [illegible] رهبری دشمن، ضد انقلاب فشرده و متمرکزی را در قدرت سیاسی [illegible] آزادیهای دمکراتیک و سرکوب و سرکوبگر اسلحه آن را در قلب قدرت محدود [illegible] متمرکز ساخته است. اساس در حالی است که گسترش انقلاب و [illegible] ضد انقلاب روز به روز شدت بیشتری به توسل قهرآمیز ادامه دارد.

بقیه در صفحه ۲

انتخابات ریاست جمهوری و اوج پوسیدگی و جنایتکاری رژیم جمهوری اسلامی

در صفحه ۷

خمینی جلاد: امام رژیم تازیانه و دار

[illegible] در میان سلح و درد و ناکی! از میان هزاران شهید و صدها زخمی در سالهای ۵۶ و ۵۷ برای سرنگونی رژیم استبدادی و سرکوب، رژیم استبداد و سرکوب دیگری بنا می‌شد و "رهبر" شورانگیز توده‌ها نیز علنا به جلاد، امام رژیم شکنجه و سربازان، امام رژیم جمهوری اسلامی میشود.

قیام توده‌ها، قیامی که بر علیه استبداد رژیم کشان، بر علیه سرمایه‌داری وابسته، بر علیه دیکتاتوری و خفقان، بر علیه سرکوب و کشتار توده‌ها، بر علیه شکنجه و زندان و سربازان بپا خواسته بود، در سمت راه متوقف می‌شود و دوباره استبداد و دیکتاتوری و خفقان، سرکوب و کشتار شکنجه و زندان و سربازان و سرمایه‌داری وابسته ادامه می‌یابد. رژیم جمهوری اسلامی سیمای رژیم شاه را حاشی نگاهیان سرمایه‌داری وابسته میشود. شاه "سایه خدا" بر زمین بود اما خمینی "خدا در روی زمین" نیست ولی امر میدهد، میورزد و ارتشاران جلاد می‌میرد و سرکوب جلادهای جدید خمینی، امام شکنجه، امام شکنجه و ترور و سربازان را با سمال کردن جوی شهیدان بر سر مقبره‌ها چون آسوده رحمتکشان می‌نشیند، ارتجاعی مسعود و ارتجاعی دیگر بر سر سفره شکنجه می‌رسد و با بیشرمی از این "ارتجاع" ها کارگزار امپریالیسم بوده و دیگر پیری کارگزار خشت، سنگری در اسیدار رحمتکشان و کشاورز کارگران، دهقانان و دیگر رحمتکشان و انقلابیون کمونیست ها می‌دهد. آشتی سرمایه‌داری وابسته با خون کارگران، رحمتکشان، انقلابیون و کمونیستها میگردد، خواه آسایش شاه جلاد باشد خواه "امام خمینی"!

بقیه در صفحه ۵

تهاجم و ضربات اخیر ضد انقلاب به سازمان و سایر نیروهای کمونیست و انقلابی

[illegible] رژیم سیه‌کار و ارتجاعی جمهوری اسلامی، در این بحبوحه [illegible] سیاسی خونین و برای تامین ادامه حیات سرمایه‌داری وابسته، به اعمال [illegible] سرکوب و کشتار روحیه به روی آورده و سوطنه و سیع علیه [illegible] انقلاب و سازمانهای آن، بخصوص سازمان ما، وارد مرحله [illegible] آورده است. رهبران خیانتکار رژیم و در راس آنها خمینی که [illegible] آگاهی و بوضوح دیده‌اند که انقلاب توده‌ها سوار نیستند، و قصد [illegible] و ستم خواستند (و می‌خواستند) کوچکترین خواست و [illegible] توده‌ای رحمتکش ما را ارضا نمی‌کنند و برآورده نمی‌کنند، چاره‌ای جز [illegible] و حیات ننگین خود را در سرکوبی آگاه و پیروزمند و سازمانهای [illegible] در دفاع از منافع کارگران و رحمتکشان ایران، برخواستها و [illegible] انقلابی قیامهای فشرده‌اند، تشدید و سیع کامل و همه‌جانبه [illegible] دستور کار خویش قرار داده‌اند.

بقیه در صفحه ۱۱

از وصیتنامه کمونیست پیکارگر رفیق محسن فاضل (رفیق سامی) لحظاتی قبل از اعدام در زندان اوین

در صفحه ۱۰

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

مشخصات اساسی اوضاع کنونی و وظایف کمونیستها

حوادث وتحولاتی که در سیر ماه امسال و اوایل آن در جامعه ما بوقوع پیوست (بویژه بمرکسار کردن بنی صدر جامعه ما در خرداد ۶۰ و با تلاقی انقلاب و ضدانقلاب در جریان مقاومت اوج این دوره را در برمیگیرد) گامهای انقلاب و ضدانقلاب را بشکل بسیار فشرده در جریان گامهای انقلاب و ضدانقلاب حاکم بصورتی روشن و خاصی خودش را که از مدتها پیش شروع گردده بود عیان ساخت. بورژوازی لیبرال حاکم با سرکوب جریانات چپ و کمونیست و با تحمیل قانون اساسی ارتجاعی و ضدانقلابی خود و با تحکیم موقعیت خود در ارگانهای قدرت سیاسی و با تثبیت حاکمیت سیاسی خود بر جامعه، بر اساس سازش با امپریالیسم و بورژوازی بزرگ و بورژوازی متوسط و با تحمیل سیاستهای اقتصادی ارتجاعی و ضدانقلاب

مساعد. در چنین شرایطی که قدرت سیاسی را بطور نسبتاً رهبری طبقاتی خرده‌بورژوازی در دست خویش متمرکز نموده لحاظ کمیت و همه جانبه‌ای را به انقلاب آغاز کرده بورژوازی و گسترده‌ای را بر علیه انقلاب و نیروهای انقلابی، در دست دارد سیاست قوا طوری به نفع ضد انقلاب و به زیان انقلاب بود. آغاز نمود. روندی که همچنان ادامه دارد. ارتجاع در صدد آن است خواهان سریع سرکوب قطعی و خلع ید از طبقه انقلابی بود که سیاست قوا به نفع وی قرار داشت و او تلاش میکرد تا بتواند این نیروی قوا، عفو انقلاب در حال رشد و انسجام را بشکند و نیروی خود را دوباره سازمان دهد. تا آنکه قوا متمرکز شده و نیروی مزبور را اجازه نداد بر آن غلبه نموده و کاملاً به نفع خود جامعه دهد. مظهر آشکار این روش سیاسی در درون سرانجام، با سخنگوئی منتسب به دعوت رژیم حاکم به وارد شدن در سرکوب قطعی بود. روشی که نیروهای دمکرات بدان دست یازیدند.

۲ـ عرض گسترده و همه جانبه و خونین ارتجاع به انقلاب، در سراسر این دوره‌ای، خشن و انقلابی را آشکارتر به یک علت نسبی موقت واداشت و وقفه‌ای را در سیر پیوسته و صاروخ آسا بوجود آورد. در دوران انقلابی و در سراسر کامل و متمرکز مبارزه‌ها، همواره رویکردها و فرازها و نشیب‌هائی در سیر خشن و مبارزه میان انقلاب و ضد انقلاب وجود داردند که عنوان نمونه بس ارجمند ایران و عراق، و تحت تاثیر شرایط سیاسی ـ روانی ناشی از آن، صاروخ توده‌ها دچار یک سکته و وقفه نسبی موقت گردید. و چنین روند طبیعی خونین را دنبال کرد. دوره اخیر، اگر چه از لحاظ ابعاد و ادامه تحت تاثیر عامله در مبارزه توده‌ها و مبارزه انقلاب و ضد انقلاب، نسبت به تغییرات گذشته متفاوت است. لیکن یکی از همان فرازونشیب‌هائی است که تحت تاثیر حوادث و تحولات جاری جامعه و در راس آنها تعرض گسترده و همه جانبه ارتجاع حاکم، بوجود آورده است.

۳ـ دوره وقفه نسبی حاضر، یک دوره موقت است که در مقطعی از مبارزه‌ها میان انقلاب و ضد انقلاب تا گزیر حادث شده است. تحرک قدرت در رژیم سیاسی، تعرض همه جانبه آن به انقلاب، اعمال دیکتاتوری خشن و سرکوب وگسترده، و حمایت بی‌دریغ بورژوازی بزرگ از سرکوبگران و دست گرفتن بهترین سلاحها و دستاوردهای نظامی و مبارزاتی توده‌ها از جانب ضد انقلاب (تحرکی که همچنان قهرمانانه از سنگرهای خونین دفاع میکند) و انسجام موقت نیروهای ضد انقلاب، تا بتوانند نیروهای سرکوب خونین، بهمراه یکسره انقلاب و آغاز یک دوران رکود نسبی شدید، جز اینکه اصلی ـ ترین عامل و نیروهای محرک انقلاب همچنان باقی است. بحران اقتصادی و فقر روزافزون توده‌ها که سیاهی لشکر ضد انقلاب را تشکیل میدهند، و خواستهای اصلی و اولیه آنها برای نان، مسکن، کار، آزادی و دمکراسی، همچنان باقی است. بلکه بسوی تشدید بیشتر میل میکند. و نیز آن بخش از توده‌ها که در جریان انقلاب و در مبارزه با ضد انقلاب، آگاهی و تشکل یافته‌اند، و بطور عمده در سازمانهای سیاسی ـ نظامی خود متشکل شده‌اند، و نیز بخش وسیعی از نیروهای انقلابی و دمکرات که در جریان انقلاب و در مبارزه با ضد انقلاب، آبدیده شده‌اند، همچنان باقی است. بلکه بسوی تشدید میل میکند. و نیز آن بخش از توده‌ها که در جریان انقلاب و در مبارزه با ضد انقلاب، آبدیده شده‌اند، همچنان باقی است. بلکه بسوی تشدید میل میکند. و نیز آن بخش از توده‌ها که در جریان انقلاب و در مبارزه با ضد انقلاب، آبدیده شده‌اند، همچنان باقی است. بلکه بسوی تشدید میل میکند.

اقتصادی روزبروز عمیقتر می‌شود و چشم انداز قابل بینی و مطمئنی برای خلیه بر این بحران ارتجاع رژیم حاکم از طریق رفرم‌ها و... به چشم نمی خورد. مطالبات اساسی توده‌ها، مردم و طبقات محروم جامعه همچنان باقی نگفته باقی مانده است و توده‌ها گاه‌گاه آن را طلب میکنند و برای به تحقق درآوردن آن از خود نیرو و حرکت نشان میدهند. اعتماد و اطمینان توده‌ها به بهبودی اوضاع آنها از طریق "تا لائه" میان رفته است. کشتارها، جنایات و سیاهکاری‌های رژیم آخوندها نیز بر دل توده‌های آگاه بوجود آورده است که به سیاهی آنها را به بن‌دادن به دیکتاتوری و سیاهی محو حیاتی نه دیکتاتوری بلکه نیروی عکس، تمایل و روحیه مقاومت را در آنان دامن زده است. هرچند که این تمایل و روحیه هنوز در مقطع فعلی، بصورت مبارزات وسیع و سراسری آنان نیلوریافته است از طرف دیگر رژیم جمهوری اسلامی که تلاش میکند، بحران درون طبقه حاکمه را حاشیه نخواهد، در این راه تا موفق مانده است و نیروها این بحران را بطور موقت از درون حکومت به خارج از آن منتقل کرده است. بعلاوه اینکه نیروهای مزبور آشکارا مبارزات و تعادهای جدیدی در درون حاکمیت بطا هر دیکتاتوری به چشم می خورد. بدین قرار محتمل ترین چشم‌انداز قابل بینی نسبی در آینده به چنان دور، اعمالی نیست. انقلاب، وضعیت محدود چنین و مبارزات توده‌ها بر علیه رژیم، تداوم بحران اقتصادی ـ سیاسی جامعه، خواهد بود و رژیم جمهوری اسلامی به نسبت خود دست نخواهد یافت.

اینکه چنین محدود انقلاب و چنین درجه رهائی انجام پذیرد و اعمالی چون چنین به چه شکلی بطا هر شود و چه اشکالی از مبارزه را (با توجه به تکامل ناموزون چنین در بخش‌های مختلف) در هم آمیزد، چیزی نیست که از قبل قابل بینی نباشد. ولی چنین بینی کردکه این موضوع چنین، با توجه به ابعاد بحران و ضد تعارض انقلاب و ضد انقلاب هم در سطح و هم در عمق ابعاد بسیار گسترده‌ای بخود گرفت. کیفیت تکامل چنین و مبارزه طبقاتی بگونه‌ای است که بطور حتم جامعه، چنین از آنکه چنین توده‌ای بسیار طبیعی و بدرنجی رشد و توسعه خود را طی نماید در گیر جنگ داخلی گردد. کمونیستها باید خود را برای چنین شرایط آماده سازند.

۴ـ بحران سیاسی فعلی و مبارزه طبقاتی جاری، همه طبقات را به میدان مبارزه کشانده و آنها را وادار ساخته که برنامه و راه حل خود را برای برون رفت از بحران، به نمایش گذارند. احزاب و نیروهای سیاسی به مثابه بخشی از همین گستره، آگاه طبقات مختلف، وظیفه ارائه این "راه حل" ها و "چاره جوئی" ها را بر دوش گرفته و به فراخور منافع طبقاتی خود، آلترناتیوهای گوناگونی را بوجود آورده‌اند. مهمترین خط ـ های سیاسی ـ طبقاتی را که هم اکنون در روند حرکت جامعه مؤثر واقع میشوند و بیشترین نیروها را میان خود بخود آورده‌اند، در سه آلترناتیو زیر میتوان بیان کرد:

الف ـ حزب جمهوری اسلامی

این حزب که هم اکنون قدرت سیاسی را بطور کامل در دست خویش متمرکز کرده است، بیشترین سیاست بورژوازی است و از حول خویش را برای علیه بر بحران موجود بیش از پیش متشکل به سرنیزه کرده است. آلترناتیو حزب اکنون آلترناتیو دیکتاتوری عریان و خشن بورژوازی و نیروئی است که هم اکنون به عریان ترین شکلی آنرا به عمل درآورده است. حزب جمهوری اسلامی، متشکل از اکثریت عریان بورژوازی و پایه‌های سیاه، می کوشد تا بتواند به سرخی رفرم‌های اقتصادی به دیکتاتوری عریان خویش مشروعیت بخشد و توده‌های مسلوب را برای مدتی طولانی بر سر خط بورژوازی و دیکتاتوری در پایه‌های خویش حفظ نماید. لیکن امکانات طرفهای محدود قدرت سیاسی کنونی برای دست زدن بهر گونه رفرم و عقب نشینی واقعی به عریان ترین اشکال بورژوازی را در اختیار حزب قرار داده است. حزب جمهوری اسلامی و به عبارت دیگر هیات حاکمه فعلی نیروئی است که در رأس اندازه‌گیری مرکز آن محتوم است. این آلترناتیو خط سازش برای نیروی و علیه بر بحران و حفظ حاکمیت بورژوازی بخواهد است. آلترناتیو خمینی و حزب جمهوری اسلامی، مسلماً محکوم به مرگ و نیستی است. خواه که ضربه‌ای را که هم اکنون قدرت سیاسی بورژوازی ایران مورد ضربت انقلاب قرار گرفته است، در چنین حال آلترناتیو مطلوبی برای بحران غالب بورژوازی ایران نبوده و این بحران را رویگردان نموده است.

رویزیونیستهای توده‌ای و اکثریت، این مزدوران و بوکران بورژوازی و این همدستان جلادی و قتل عامهای رژیم جمهوری، در حال حاضر در جبهه این آلترناتیو قرار دارند آنها که هم اکنون از پایه‌ترین اشکال سرکوب و جلادی های قرون وسطائی رژیم جمهوری اسلامی، حمایت می کنند. تلاش میکنند تا رژیم، و در واقع جناح حزب را که مسلط بر قدرت سیاسی است، به سمت یک سرمایه‌داری دولتی و البته به سوسیال امپریالیسم روس سوق دهند. حمایت آنها از برخی رفرمهای اقتصادی، از قبیل مسدود و دولتی کردن تجارت خارجی، که روزنامه: رسوی و کرنا در سلسله مقالات خود آن را می دمند، بخاطر تامین شرط های رژیم‌سازی مورد نظر آنها از یکسو و ایجاد یک پایگاه وسیع اجتماعی در میان اقشار نیمه سنتی برای رژیم جمهوری اسلامی است تا حاکمیت ضد انقلابی رژیم در سوی به اصطلاح ضد امپریالیستی و "مردمی" و البته بر پیشانی بحرهای خون ضد و

←

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

پیکار

سال سوم- شماره ۱۱۴
دوشنبه ۱۹ مرداد ۶۰

هواران نی از انقلابیون وکمونیست های راستین وکارگران وزحمتکشان ایران، استوار پا بسه رویزیونیستهای توده ای و "اکثریت" به مقابسه متحدین حزب جمهوری اسلامی، درشرایط کنونسی جامعه، درمجموع یک بلوک وآلترناتیو تشکیلاتی را ارائه میدهند. هرچندکه دارای اختلافسات مضمی هستندکه ضرورتا بطورکامل خطوط سیاسسی آنها را درپاره ای اززمینه ها بیکدیگرمنطبق نکرده است. واین ناشی ازخصوصیات وویژگیهای حزب جمهوری اسلامی وعناصرگرایشات ناهمگون درونی آن است. دعوام تلاش روبروئیست هسا، انطباق این خطوط بیکدیگربه نفع خط سیاسی ضدانقلابی خودشان است..

ب- آلترناتیو بنی صدر- رجوی وعبارت دیگر، لیبرالهای مجاهدین

سیرتحولات سیاسی وقطب بندیهسای جامعه، سرانجام این دوجریان سیاسی را جنبا عنی یکی لیبرالی ودیگری بورژوادمکرات ناچیز را به یکدیگرمتمایل نموده است! اکنون، دمکراسسی مجاهدین دراتحادبا دمکراسی وسیاست لیبرالی خود با لیبرالها بسرده داری یعنی حدر به یک ائتلاف سیاسی دست زده اند، یعنی حدر بحثا به رفرمیسم سیاسی لیبرالهای ایران (علیرغم همه عبارت پردازی ها یش که برای ایجاد آشفته فکری وتوهم توده ها بیش که برای ایجاد آشفته فکری وتوهم توده ها بیش برنامه سیاسی اش موزنگشته تا این لحظه بسیاری بیجا ندکه رهبریا لفعل لیبرالهای ایران وبه عبارت صحیحتر، نماینده سیاسی واقعسی بورژوازی لیبرال درایران را بسی حدرمجاهده گرفته است وبه بازرگانها و به... ورجوی رهبسر مجاهدین به مثابه یک نیروی دمکرات خرده بورژوا، با ائتلاف خود اکنون محور ومرکسز آلترناتیوی گشته اندکه اگرچه طا هرا ازائتلاف خرده بورژوازی وبورژوازی لیبرال بوجود آمده است لیکن درواقع امرما هیت ومضمون لیبرالی دارد. درطا هرامرچنین بنظرمیرسدکه ایسن مجاهدین هستندکه بنی صدررا ازقطب لیبرالها، کنده واورا به همراهی با انقلاب وپذیرش مطالبات دمکراتیک مجاهدین متقاعدساخته اند، لیکن در باطن امر، این مجاهدین هستندکه بدل عدول ... از برنامه دمکراتیک وبا پذیرش یک خط مشسخص رفرمیستی درانقلاب - خط بنی اینکه ادامه همان خط بنی "طرح یک ازحزب حاکم" میباشد - به زیر برچم بنی وبرنامه لیبرالی رفته اند. مجاهدین با تشکیل یک بلوک با لیبرالها برای کسب قدرت با پذیرش ریاست جمهوری یعنی حدروتقسیم مواضع حکومت آتی میان خود ولیبرالها (یعنی - حدربصدوان ریاست جمهوری ورجوی بحسب وزیر!) با بستن "میثاق" با لیبرالهسا - مسا می که دربرگیرنده یک برنامه بسیار مشترک لیبرالی است، عملا واردیک معامله سیاسی با بورژوازی لیبرال سرسرقدرت شده اندوالبته تلاش میکنندکه بخش تا پیگیرجنبش کمونیستی را به زیراین برچم فراخوانند وبدین ترتیب "قطبی" موجود آورندکه وظیفه اش درحقیقت تنها بدنبال براندازی بورژوازی کردن توده های زحمتکش برای خلع ید ازحاکمیت بورژوازی وحفظ حاکمیت بورژوازی است. این قطب سیاسی که اکنون درهیات "شورای هفت نفره" ازیکطرف وبا بند وبست میان رهبسران لیبرالها ودرراس آنها بنی صدرورهبسران مجاهدین، با لها روبوجودگرده است، درست به همان دلیل که ازلحاظ "نیرو" ووزن اجتماعی وسیاسی خود، نیرومندترین "بورژوازیون" را درسراسسر حکومت تشکیل میدهد، بهمان نیزسرای سرنوشت آتی انقلاب خطرناک وزیان آوراست. مجاهدین با شرکت درچنین معامله سیاسی، عملا از برنامه ومقاصد اعلام شده دمکراتیک عدول کرده اند و با رویگردانی ازمتحدین واقعی خویسش در انقلاب دمکراتیک یعنی کمونیستها وبه عبارت مختصر، با روی گردانی از برنامه دمکراتیک - انقلابی، دراین انقلاب درجه مهمی را برای سرکسوب انقلاب وارد میسازند.

طبیعی است که ضعف بورژوازی لیبرال وبورژوهسای کمونیست درشرایط بحرانی کنونی وتشدید مبارزه طبقاتی، یکی ازعللی است که موجبسا ت تشدید توسعات وتزلزلات خرده بورژوائی وگرایش فطری مجاهدین به برنامه ومنی لیبرالسی و ائتلاف با لیبرالها را فراهم ساخته است. خرده - بورژوازی بنا بمضمون اجتماعی خود تابسع قدرت است وچنانچه بورژوازی لیبرال نتوانسد بدشواری ضعف با شده خرده بورژوازی بطورطبیعسی به سمت بورژوازی خواهد گرایید.

بلوک بنی صدر- مجاهدین، اکنون با ارائه برنامه خود، ودرپیش گرفتن یک خط مشی لیبرال - کودتا گرانه، که دقیقا با سیاست مذاکره سیاسی آنها درپیوند قرارمیگیرد، میکوشدتوده سیاسسی توده ای بویژه حزب جمهوری انقلابی وکمونیستی را نیز در برابر برچم خود خواهش گرداورد. شعار سرنگونی که این بلوک مطرح میکند، درواقع امرهمان شعار "خلع ید ازحزب" است که اکنون ظاهرا انقلابسی بخود گرفته است، تا کتیک آنا رشیستی مجاهدین درشکل مبارزه شان و "مبارزه مسلحانه" ای کسه درپیش گرفته اند، نشانه دیگری است که آنها برای یک برنامه لیبرالی با رژیم حاکم فعلی میزنند تا شکل دیگری ازحاکمیت بورژوازی را درحال مجبور فرارسازند. درست بهمین دلیل هسم هست که لیبرالی جون بنی صدر، یعنی کسی کسه معمولا از "قهرانقلابی" همچون "حزب الله" میگریخت، درابتدا به طبله وشادی نسبت به این عملیات وحرکات می پردازد واز ترورچهره های منفورورجعتا بتکاری جون بهشتی، که متحدین سیاسی دیروزین وی بودند، تلویحا بستایش میکند.

لیبرالها وازدراس آنها بنی صدر، که تسا دیروزدرموضع یکی ازرهبران رژیم جمهسوری اسلامی، درکنارودراتحاد با حضرات رفسنجانی - خوب حمهوری اسلامی، شریک درجنایات کنونی وسرکوب جنبش ونیروهای انقلابی وکمونیست بود، همان کسانی که دزکردستان به ارتش مزدوردستوری دادندکه تا سرکوب قطعی مقاومت خلق کسرد "چکمه ها را ازپایشان خارج نکنند" "به قلع وقمع خلق کردوما رزین آن سرزمین بپردازنسد"؛ همانهائی که جنبش کارگری را مورد یورش قرار دادندودرسرکوب شوراها ذی سهش بودندوحتسی گفتندکه "شوراباید برافتد" "همانهائی کسه از اعدام انقلابیون وکمونیست ها درد دلگاههای ضدانقلاب بنا خشنود بودندوبا مرورزمانه سکسوت میکردندو... آری حتی کسانی اکنون خودش را هم آوای انقلاب کرده اندودرباد واسعدادا! را سرمیدهند؛ "برای استقلال وآزادی دل مسی - سوزاند" وبه گشتا واعدام انقلابیون توسط رژیم فعلی حاکم اعتراض میکنند! اینها "نی سرهای انقلاب اسرائیل" یعنی همان علاکنون با رئیس که بپا ارتجا آمدن موج انقلاب، فریاد بر آورد که "من طرفدارانقلابم"!

آری اکنون حتی ساعری، که تنها بسرای ایجاد آشفتگی بشکل مطلوبی ازرژیم سیاسسی مبارزه میکندکه بتواند بقایای سرمایه داری وابسته حاکم را تضمین وتامین نماید، اکنون با حمایت بورژوادمکراسیهای مابه سمت خویش، بلوک قدرتی را مهیا کرده اندکه تحت نرخیم لیبرالیسم بورژوائی قصد "سرنگون کردن" رژیم حاکم بخوان طلع ید ازحزب جمهوری را درسرمیپرورانند. راه حل آنها جزراه حلی که تنها به حاکمیتی قدرت را دست این جناح ازبورژوازی بدست جناح دیگر، که البته رهبران خرده بورژوازی نیز درتحت تحس رژیم آنها خواهد بود، نمی باشد.

آلترناتیو بنی صدر- مجاهدین، اکنون در برابر آلترناتیو دمکراتیک - انقلابی، یعنسی برنامه بورلتاریا، در انقلاب دمکراتیک عرض - اندام کرده وبه مبارزه خویش برجاسته است وطالب آن است تا این آلترناتیو منفرد وبرافتاده خود بدنبال خود به عبارت دیگرکارگران وزحمتکسان ونیروهای انقلابی را فرا می خواند تا به قلع وقمع بورژوازی لیبرال، سرکرده حزب جمهوری اسلامی بپردازند!

ج- آلترناتیو دمکراتیک انقلابی

این آلترناتیو جوهری خرده برنامه بورلتاریا در انقلاب دمکراتیک است که عمدی ترخواستها ومنافع انقلابی کارگران وده قانان وتوده های متوسط شهردرمرحله کنونی انقلاب می باشد. این آلترناتیو هم اکنون درنیروهای برانگیزنده جنبش کمونیستی منطبق است وهمواره پیروزی مادی و بصورتوده ای نیروهندی درمیان طبقه کارگر برخوردارنیست. لیکن برغم این واقعیت، این آلترناتیو درمجموعه خود، بویژه اگروحدت بیشتر - ترین نیروهای آن صورت بخود بگیرد وبا مبارزه های نیروهای جنبش کمونیستی حول برنامه انقلابسی

بقیه در صفحه ۶

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

[illegible]

[illegible] خمینی [illegible] آرامش خود، [illegible] کنون کلوی آرامش خود را می‌دهد. توفان [illegible] دوری، اسلحه خون کارگران و زحمتکشان را می‌مکد و سریع آسمان را مسدود می‌سازد. "مبارزه" مخالفت خود با [illegible] سرمایه‌داری را [illegible] خمینی مخالفت نکرده است و رنه [illegible] دوری، اسلحه [illegible] زحمتکشان را می‌مکد و [illegible] آرامش خود را [illegible] می‌دهد. "حامی مستضعفان"، "حامی زحمتکشان" نیست. آری این سازآموزش دوران [illegible] است. آشکارا مدتهاست [illegible] خود را [illegible] می‌دهد. "بازهم خمینی" [illegible] و [illegible] "نهضت موجود خرده‌بورژوازی در فعل چیزی جز خودمختاری سرمایه‌داران علیه نیست". آری حکایت خمینی بارها بگر صحت اندیشه [illegible] را ثابت نموده است. اما به تجربه [illegible] این بار هزاران شهید در کردستان و ترکمن صحرا، صدها نهای شهرزندانها هزاران زندانی، شکنجه‌گاهها و سیاه‌چالها و سفیدخونها کارگر، دهقان و زحمتکش استثمارشده و ستمکشه و فلاکت دچار شده گواهان این آموزش دوران ساز هستند. آری این است حکایت خمینی: داستانی که با عشق توده‌ها به آزادی میشود و با نفرت خلق از وابستگان. میگیرد. با مخالفت با دیکتاتوری سرمایه‌وابسته آغاز میشود و با عشق به آن به سرانجام میرسد. با هم‌نوائی با جزئی از خواستها و آرزوهای توده‌ها آغاز میشود و با دشمنی با خلق به اتمام میرسد. دوست نابهنگام و لرزان و ترسان خرده‌بورژوازی نابکار از آب درآمده است که پیراهن خونین سرخپوشان برتن، سینه فرزندان دلاور زحمتکشان را سپرده و بدنهای چون سرو آزادشان را با تازیانه و شلاق خونین سنگینش آماج و امروز بر سر توده‌ها آوار کرده، امروز دشمنی شاخص‌تر می‌گردد. چنین خیانتی هرگز بر مردم نباید بخشوده شود. عجب جنایتی! تا بخشش دژخیم همسنگر توده‌ها که بعلت ضعف همسنگران بیگانه (یعنی کمونیستها) بر رهبر مردم نشسته بود، به مردم خیانت کرد. اما توده‌ها سکوتی نسبت به رویه‌اش با ریگه قدرتی که حافظ و نگهبان سرمایه‌داری وابسته است، آری اینست نمونه‌ای از رهبری خرده‌بورژوازی بر انقلاب.

زمانی که خمینی جلاد میشود

اما حکایت خمینی از کجا آغاز شد؟ در ضعف طبقه کارگر و نبودن حزب پیشاهنگ کمونیستها و در کشوری که خرده‌بورژوازی از دیگر طبقات بیشتر جمعیت دارد و در مبارزات دمکراتیک بسیار پیشاهنگ است. آشکارا بیش از هر زمان دیگر حضرت توده به مردم، مردی [illegible] که [illegible] توده‌ها حرصان توده‌ها خشونت میکند. او مخالف ما است. "مرتجع" و "مرجع تقلید" است و از همه مهمتر خود را مدافع و رهبر انقلاب و ما را اعضا و طرفداران خود میداند. او خود را مافوق طبقات و ما را طبقات میداند. او خود را مافوق طبقات و ما را طبقات میداند. او خود را مافوق طبقات و ما را طبقات

پیکار

سال سوم- شماره ۱۱۲
دوشنبه ۱۹ مرداد ۶۰

←

خمینی نازمانی که در "ماوراء طبقات" بسود ، در اوج بود و رهبر و امام بود زمانی که پرده از ماوراء طبقات برگرفته شد یکباره خمینی از اوج فرو افتاد و توده‌ها از او بریدند و چنین است که توده‌هائی که حافر نبودند کوچکترین گردشی و ناپاکی نبرا و ببینند ، اینک او را همدست حامیان سرمایه‌داران و فرمانده حامیان و مکتبه‌گران میخوانند . آنهائی که تا دیروز ساده‌لوحانه میگفتند "خودش خوب است و دور و برهایش بد هستند" ، اکنون میدانند که او دور و برهایش از یک قماشند و ما عملیات رژیم جمهوری اسلامی از نامشخص خمینی سرچشمه گذرد .

آری خمینی نازمانی که در پوشش "ماوراء طبقات" پنهان بود ، تا بین در آسمان ، در عرش اعلی بود و توده‌ها عریش میدانستند . اما همگامی که چهره طبقاتی خمینی آشکار شد و او از آسمان بر زمین فرو افتاد و سهم چه فرو افتادنی ، خرد شده‌ها او را در زیر و لجن لجن را همدست بخش استثمر سرمایه‌داری و توده‌ها او را نه بعنوان رهبری آسمانی و عدالت گستر بلکه بصورت توده‌ای حقیر و زمینی بینند که همگام با سرمایه‌داری دندان و ایمنگ لشگریان نسبه ما سند بین امواج عظیم توده‌ها ، بلکه خیلی از لحظه‌ها و قدار دکسان به انشای عفت مانده - بر بخش اقشار توده‌های ناآگاه و بخشی از طبقه سرمایه‌دار توده که دیگر به اکثریتی عظیم ، بلکه اقلیتی مکتبه و لرزان را تشکیل میدهد . آری خمینی "تب مکن" بیش مکتبه است ! خمینی "تب مکن" ما همانست آنکارش ارحزب جمهوری و دشمنی با رهبرکنان و انقلاب ، ما هیش را بتوده‌ها سپرده‌اند . اینک دیگر ست خمینی برای وسیع - ترین اقشار توده‌ها در هم شکسته است و این یک ضرورتی برای انقلاب است . رشد انقلاب و حفظ حکومت موجب شده که هیئت حاکمه آخرین تکه‌لباس را روکنده و با گرفتن نقش ماوراء طبقاتی و ماوراء صاحبی از خمینی اورا عریان به صحنه بکشاند تا این آخرین تکه‌ال حکومت نیز آنها را بجا بت بخواهد داد .

■ ■ ■

آری اینک آنکارا توده‌هائی بدین‌ترند که از دستان خمینی بیزارند رحمتکشان ما فروسی - جکند . "امام" جلادی است همانسته همه ذحیمان سرمایه ، او و استثمارگران و رحمتکشان ما همدست و مقهر است . او همدست امپریالیستها در غارت منابع طبیعی و مستزنج رحمتکشان ملت! و همدست همه سرمایه‌داران و زمینداران ... در مکیدن خون کارگران است . او در همه جا قداری - های حزب حاکمه که‌ده‌ها انقلابی را لجون کشیده مقهر است . او از عوامل مهم بزرگترین خیر - سارانهای تاریخ ایران و جهان است او حکم سرباران سیصدی را در پیش از یکماه امضاء

بقیه از صفحه ۵ ... مشخصات ...

پرولتاریا اتحاد عملی انجا پیذیرد ، میتواند در عرصه مبارزه طبقاتی نقش موثری در تغییر مناسب قوا بنفع انقلاب ایفا کرده و تا ثیرات مثبتی و قابل احساسی در تجزیه بلوک "لیبرال - دمکرات" فوق الذکر با قی گذارد .

آلترناتیو انقلابی پیگیر بویژه در دو شعار اساسی و برنامه‌ای خود با آلترناتیو لیبرالی بنی صدر - مجاهدین مرزبندی روشن دارد . اول در شعار سرنگونی آن : در این برنامه "سرنگونی" و طرح نه "مسالمت آمیز" از حزب و سپردن قدرت بدست بلوکی که لیبرالها در آن حضور دارند و مطالبات بورژوا لیبرالی فرا راه آن قرار دارد ، بلکه مفهوم این سرنگونی سرنگونی کل رژیم سیاسی بورژوازی و خرد کردن ماشین دولتی آن میباشد دوم در شعار جمهوری : برنامه پرولتاریا جمهوری باطرح شعار جمهوری دمکراتیک خلق یعنی جمهوری انقلابی کارگران و دهقانان ، مرز خویش را با جمهوری بورژوا لیبرالی روشن می سازد . این جمهوری نه از طریق مجامله قدرت در بالا و "تحصیحات انقلابی" در میان "مقامات" و نه از طریق اشکال مختلف حرکتهای کوته بینانه و چشم دوختن بر ارتش موجود و ... (روشی که بنی صدر و رجوی در پیش گرفته اند) بلکه از طریق قیام و مبارزه مسلحانه توده‌ها و از درون ارگانهای قدرت و مبارزه توده‌ها یعنی شوراها متولد میشود و متکی بر توده‌های رحمتکش مسلح است نه متکی بر طبقات دارا "تجار محترم" ، "شخصیت های مذهبی" .

این دو جنبه از برنامه پرولتاریا در انقلاب حاضر ، جنبه‌هائی است که جوهر و چکیده اختلافات ما را با آلترناتیو بورژوئی بنی صدر - مجاهدین بیان میدارد . برنامه انقلابی فوق ، همان برنامه است که میتواند نیروهای بورژوا دمکرات را به سطح برنامه حداقل پرولتاریا بالا بکشد و پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک تحت رهبری طبقه کارگر را تضمین نماید و از هرگونه حل میانه کارانه و سازشکارانه جلوگیری بعمل آورد .

۵- با این وصف اکنون در سراسر انقلاب و جنبش که اعتلای نوین انقلابی آن محمل بررسی چشم انداز آتی جامعه است ، در اساس دو آلترناتیو و راه حل قرار گرفته است یکی راه حل لیبرالی و دیگری راه حل انقلابی دمکرتوں سازوپیکر . در قدیمی نیست که اکنون سیاست قوای طبقاتی بگونه‌ای است که آلترناتیو لیبرال دمکرات از قدرت بیشتری نسبت به دومی برخوردار است . اینکه کدام آلترناتیو خواهد در چشم انداز آتی سیر تکامل انقلاب و خمینی را تعیین کند و سرنوشت تحولات سیاسی جامعه را رقم زند ، منوط به رشد مبارزه طبقاتی و سیاست قوای سیاسی در لحظه تعیین قطعی است . طبیعی است که اگر جنبش پرولتاریا بتواند مقوف خویش را متحول کرده و با حفظ استقلال سیاسی و تشکیلاتی خود قطب نیرومندی را بوجود آورد و بر اساس آن خرده - بورژوازی را از لیبرالها جدا ساخته و به سمت خویش جذب نماید سرنوشت انقلاب ، جبری بسوی جمهوری بورژوا لیبرالی و ادامه حاکمیت بورژوازی نخواهد بود و انقلاب کماکان در نیمه راه متوقف خواهد ماند . اما جنبش پرولتاریا بتواند تناسب قوای موجود را دگرگون سازد انقلاب و مبارزه طبقاتی با شکوفائی برنامه انقلابی خود در میان توده‌های طبقه کارگر و زحمتکشان و با حفظ استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر ، بسیج همه و قطب انقلابی را قوا بخشد و با جلب دهقانان و خرده بورژوازی به سمت برنامه خود به هر درجه ممکن میتواند هرچه بیشتر انقلاب را به جلو براند و آن را به سمت پیروزی قطعی سوق دهد .

در دنباله این بحث در آینده وظایفی را که برپایه اوضاع سیاسی فوق الذکر بر عهده گمونیست ها قرار میگیرد ، توضیح خواهیم داد .

کرد . کاریکه‌ها خائن در پنجسال از حکومتش انجا داده بود . او در اعماق سینه‌ها میلیونها همدست است او عامل مهم گشتار کمونیستها و انقلابیون است . او در کنار و با ارگان و بنی صدر از عوامل مهم بحران و گشتار در کردستان و ترکمن صحرا است . او در کنار بنی صدر و رژیم ارتجاعی عراق از عوامل مهم جنگ ارتجاعی ایران و عراق است که آوارگی و فقر و فلاکت و کشتار برای چند میلیون از رحمتکشان ما بسار آورده است . نتیجه ارتجاعی قضایی شکنجه در زندانها و ترور انقلابیون و برگزاری دستگاه محاکمات انقلابی و ... از جمله اقدامات ارتجاعی است که او در آن نقش فعال ایفا کرده است . او کوشیده است تا با استفاده از موقعیت روحانیش بعنوان مرجع تقلید سیاسی توده‌ها از فردای "قیامت" و با استفاده از احساسات مذهبی توده‌ها ، رحمتکشان را بفریبد و به اطاعت از رژیم ارتجاعی وادارد . خواهای ارتجاعی او که نمونه اخیرش درخواست از رحمتکشان برای جاسوسی و لو دادن انقلابیون است ، نشان ارتجاعی خمینی را بیش از پیش آشکار میسازد . خمینی مزدور سرمایه‌داری وابسته ، رهبر بسیار نگذار رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است . گشتار هزاران نفر از کارگران و رحمتکشان و انقلابیون و کمونیستها و استثمار وحشیانه میلیونها نفر از رحمتکشان ما ، ما را بر آن میدارد که بر القاب "امام خمینی" لقب و قصبش را نیز بیفزائیم .. خمینی جلاد ، امام ارتجاع و سرکوب و رهبر ارتجاع و سرکوب است .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

انتخابات ریاست جمهوری اوج پوسیدگی و جنایتکاری رژیم جمهوری اسلامی

انتخابات ریاست جمهوری رژیم‌ها کوچک در مستدل‌ترین و منحط‌ترین شکل خود سرپا کرده بوده‌اند با بیان رسمی‌ترین و شاخص‌ترین سیاست‌های طبقاتی حاکمه‌شان. با این انتخابات برای رژیم‌شان سنگ و جمهوری اسلامی اهمیت ویژه‌ای داشت. رژیم‌ها شاخص‌ترین آن بوده‌اند با وسیع‌ترین حقلبازی‌ها و پشتیبانی جمهوری‌سازی خود را از "جمهوری" برای "پیروز" "جمهوری" آورده. اهمیت این "جمهوری" برای رژیم‌های آن جهت بوده‌اند که موقعیت سیاسی متزلزل خویش را تثبیت بخشیده و شعر مردمی و علنا خدشه‌ناپذیر نشان دهد. این انقلاب و نگارگران و زحمتکشان بیشتر بخش بوده.

حال ببینیم این انتخابات از چه طریق صورت گرفت و اهداف آن چه بود. گرایش جمهوری اسلامی که طی دو سال حاکمیت خفقان‌آورترین خود هر نفس و روز بیشتر و خفقان و سرکوب گسترده‌تر جبر و بیگری برای کارگران و زحمتکشان به ارمغان آورده است، بیش از پیش دامنه‌ی گشوده‌ترین توده‌های میلیونی و بخش اعظم خود را از خود رانده و بیش از پیش با ارتجاع آشکار انقلابی خود در تجربه‌ی عینی روزانه‌ی خویش روبرو ساخته که رژیم جمهوری اسلامی با توده‌ها هیچ طبقاتی ندارد. نه در گذشته حتی یک سرسوزن در راه منافع زحمتکشان گام برداشته و نه بعد از آن به پشتیبانی خود از رژیم سرمایه‌داری موجود پایان بخشیده‌اند. جنبش توده‌ها و هر گونه و وسعت یابی نفوذ کمونیست‌ها و انقلابیون در میان توده‌ها و عمیق‌تر شدن رابطه این دو جزء، رژیم را در تنگنائی مرگ‌آفرین به‌معامره کشیده و به‌همین لحاظ این اوضاع، رژیم را بر آن داشته تا بستر ای نجات خویش به وخیم‌ترین شکلی سرکوب انقلاب را در دستور کار خویش گذارد. رژیم نمی‌تواند جمهوری اسلامی با سرکوب فاشیستی جنبش و اعدام‌های دسته‌جمعی و بدون محاکمه کمونیست‌ها را سخت‌ترین و انقلابیون می‌کوشد تا حاکمیت متزلزل خویش را تثبیت و تحکیم بخشد. اگرچه رژیم با این جنایات هولناک در پی به‌تعویق انداختن مرگ محتوم خویش است لیکن این سرکوب‌ها هرچه بیشتر به ابزار سیاسی رژیم در میان طبقه‌ی کارگر و زحمتکشان تبدیل گردیده است. در طی این دو سال رژیم‌ها کم‌تجربه‌تر و ماندنی‌تر نبوده‌اند تا دست‌خوش یک رفرم ارتجاعی اقتصادی نیاورده‌اند و تنها آنچه رژیم‌ها در به‌اجرا آن توانسته‌اند تشدید خرد و سرکوب بوده است. اما توده‌ها که برای نان، مسکن، آزادی و برای جمهوری دمکراتیک نیایش کرده بودند به‌طور فزاینده‌ای به‌ماهیت ارتجاعی حاکمیت و خفقان‌آوری که بر جامعه تحمیل شده پی برده‌اند. رژیم جمهوری اسلامی با خلق خود در حالت جنگ است. رژیمی که طی دو سال و نیم ثابت کرده است که

بجای نان و آزادی بر خلق گلوله، شکنجه و زندان و بجای صلح و آسایش مرگ و بیگر خانه‌ها و کوچه‌ها و میدان‌ها و بجای امنیت و آسایش برای توده‌های میلیونی قابل اعتماد نمی‌باشد. در چنین حالی چاره‌ای جز اعتراض مرگبار رژیم جنایتکار باقی نمی‌ماند.

در چنین شرایطی است که رژیم‌ها در صدد برآمدند تا با وحشی‌ترین شکل ممکن و با تمام قوا و آزادی‌خفقان گلوله، شکنجه و زندان

بورژوائی با توسل به تبلیغات عوامفریبانه و ارتجاعی میکوشند تا کارگران و زحمتکشان را بفریبند. آنها بدون فریفتن مردم نمیتوانند حکومت کنند. لیکن مسئله مهم اینستکه رژیم جمهوری اسلامی بلحاظ ویژگی خود و برای بقای خود به محیط سرشار و فریبنده‌تر از تبلیغات دست میبرد و همین امر رژیم برای حفظ سرمایه در یکی از کریه‌ترین ارتجاعی‌ترین و ضدانقلابی‌ترین دیکتاتوری دست رژیم ستمشاهی و وحشیانه‌ترین دیکتاتوری را از پشت سر است.

انتخابات و تقلبات وسیع

حقیقت اینست که در تمام هر رژیمهای سرمایه‌داری، بورژوازی برای بقا و حاکمیت خود نمیتواند به تقلب و ریا و نیرنگ متوسل نگردد. این امر بخصوص در زمان انتخابات بورژوائی بنحو آشکاری بچشم میخورد. رژیم جمهوری اسلامی که ادعا نمیکند بدون تقلبات وسیع قادر نیست ۱۲ میلیون رای برای نمایندگان خود بدست آورد. تمام امکانات خود را بسیج نمود تا از قبل و با همگان چماق آراء مردم را بسود خود بچرخاند و برای موافق برگمه. حزب جمهوری اوباشان حزب‌الهی و افراد متشکل مکتبی را در یک روز جنبه‌ها ریسرای رای دادن بجای مردم فرستاده و در پشت صندوقها مزدوران حزبی خدا سنا مه زنان و مردان نمیتوانستند را گرفته و خود و رقبای آنها را پرمیگشتند در روستاها عوامل حکومتی خدا سنا مه خود که کثیری از اهالی را جمع آوری کرده و سپس بخانه‌ها و بجای آنها ورقه‌های از پیش پر شده رای میدادند. رژیم بدین ترتیب برای ریاست جمهوری را بگسال با ۱۰۰ آورده‌ها بتوانند رای بیشتری بچنگ آورد. آیا چیز خجالت‌آورتر از این است که این تقلبات وقیحانه تحت لوای "آزادی" و "اسلام مورد میگیرد. آنهم حکومتهای بورژوائی متقلب و فریبکار. رهبر و رژیم جمهوری اسلامی از این قاعده مستثنی نیست. مزدوران اسلامی از "انتخابات و قصص اسلامی" حرف میزنند ولی چه کسی نمیداند که این انتخابات فقط به اتکاء تقلب و با زور میتوانست ۱۲ میلیون رای را بجا و برحق می‌نماید. میلیونها توده آگاه این انتخابات قلابی را تحریم نمودند. بقیه آراء اکثر قریب آراء اعلام نشده. آراء شی بود که توسط مردم آنهم با تبلیغات گدائی و در سایه سرکوب و خفقان به صندوقها ریخته شد. بقیه آراء فقط به اتکاء تقلبات وسیع سازمانهای اسلامی سرمایه‌داران از صندوقها بیرون آمد. نظرت توده‌های زحمتکش ایران از رژیم جاکوبن سرمایه‌داران آن آنقدر وسیع است که رژیم با روال عادی کار هرگز قادر به گستردن ۱۲ میلیون رای نمیتوانست باشد.

انتخابات و ارتجاع و ترور سیاه

رژیم مشروطه سرمایه‌داری جمهوری اسلامی برای آنکه بتواند زنجیره‌های اسارت بگستراند به حربه ترهیب مرتجعانه روی آورد: عوامل حکومتی در تمام ادارات و کارخانجات بطور غیر مستقیم مطرح می‌ساختند که اگر به آقای فلانی رای ندهید شوتو با به آنها گوشن کالا و بنزین داده نخواهد شد. رژیم با زور تبلیغ میگرفت که در ازای "داده شد" ۳ امر مزدوران رژیم توده‌ها را مرعوب ساخته و آنها از ترس دست دادن شغل و کار خود به رای دادن وادار می‌ساختند. همینی که چندی پیش در مقابل فرمانداران مزدور ارتش برای آنکه آنها از حمایت لیبرالهای مرتجع دست برندارند میگفت برای ارتش سیاست ما نشد هروئین است این بار که منافع منافقین حزب جمهوری مطرح بود میگفت تکلیف همه ارتشیان است که در انتخابات شرکت جویند و برای این حکومت رضا پهلوی گانها صندوقها را برپا داشته پرسنل ارتش را به صف کرده و آنها را وادار به رای دادن نمودند و بروشن است که سرپیچی از اوامر مافوق چه نتیجه‌ای دارد. در سطح جامعه تبلیغات چیان حکومتی بخش نمودند که اگر شناسنامه‌ها دارای مهر انتخابات نباشد فرد تحت تعقیب قرار خواهد گرفت و به آنها شغلی داده نخواهد شد و همه‌ها فریب و نیرنگ دیگر تا بدین ترتیب بتوانند توده‌های متزلزل را بفریبند و رای آنها را با فشار و ارعاب به دست بیاورند.

علاوه بر این رژیم جانیان حاکم برای مرعوب ساختن کامل توده‌ها به اعدام شدتی که در دوره اخیر اعدامهای دسته‌جمعی دسته‌ها و انقلابیون را شروع کرده بود تا رخود را ادامه داد. اعدام نوجوانان انقلابی ۱۲ تا ۱۵ ساله و نیز یاران انقلابیون و کمونیستهائی که دل در گرو عشق به خلق و طبقه کارگر بسته‌اند یک دم متوقف نشد. در روز انتخابات لابوردی جانشین محمد تلوزیون آمد و یکبار دیگر کسانی را که "اقدام علیه جمهوری اسلامی" بشمارند به اعدام بوشکنجه تهدید نمود. با دستگیریهای وسیع و شکنجه و ترور و نیز با ران در همان شب و روز انتخابات رژیم بر بی آن بود تا بصرحه میگوید کسی که به حکومت سرمایه‌داران رای نده خسر - خواهد کیفری جز سرکوب و شکنجه ندارد. رژیم می گفت کرشمای شکنجه و اعدام شما آزادمنشانه به جمهوری اسلامی رضا بنده تبهکاران رای دهید! معمولا رژیمهای ارتجاعی در روزهای تبلیغات بطور عوامفریبانه اعدام و تبلیغات بر روی دیکتاتوری و ترور و سرکوب را تخفیف میدهند تا توده را بیشتر بفریبند. ولی رژیم جانی جمهوری اسلامی حتی به این محاسبه بورژوائی نیز پای‌بند نیست و شدید ترور و اختناق را برای افزایش آراء خود بحساب می آورد. حقیقتا رژیمی که در معرض خشم انقلابی و عظیم توده‌هاست و بیش از پیش در آستانه سیاسی مرداب و باری فرو میرود و جز استثمار و سرکوبگری و جنگ چیزها ارمغان دیگری ندارد، نمیتواند نه به ترور سیاه و وحشیانه اکتفا نماید. آری رژیم برای رابه اتکاء اعداد و خفقان به جنگ می آورد.

پارلمانتاریسم بورژوازی ارتجاعی است

به این ترتیب درمی یابیم که رژیم جمهوری اسلامی برای "پیروز" ساختن رئیس جمهور خود به چه حربه‌های فریبکارانه و مزورانه‌ای متوسل می‌جوید. رژیم حاکم ادعا میکند که توده‌ها آزادانه برای خود رابه منصه وقیها ریخته‌اند اما بهیچوجه نمی‌توان این حقیقت انکارناپذیر را کتمان کرد که این آراء با توسل به ناآگاهی توده‌ها تبلیغات گوبلزی، تقلبات وسیع، خفا و روشهای وحشیانه بدست آمده است. تا زمانی که توده‌های میلیونی در اعماق جهل و نادانی بسر میبرند و ماهیت کریه رژیم سرمایه‌داری حاکم را درنیافته - اند آزاد نیستند تا بتوانند آزادانه رای بدهند. رژیم سرمایه‌داری میلیونها توده زحمتکش را در جهالت نگاهداشته چرا که بدون بسندگی فکری میلیونها توده نسبت به سرمایه حکومت سرمایه - داران امکان پذیر نیست. همه رژیمهای سرمایه - داری خود حصار سنگین بسیار می آیند که مانع پیشرفت اندیشه و تفکر آزادیبخش توده‌ها میباشند و منکوب کننده متداوم هرگونه روشنائی میباشند که در ظلمت خونین سرمایه‌داری شکاف اندازد. بنابراین همه رژیمهای سرمایه‌داری و در اینجا جمهوری اسلامی بنا به ماهیت طبقاتی خود سرکوبگران آگاهی توده‌ها بوده و هرگز قادر نیستند "انتخابات آزاد" برای طبقه کارگر و سایر زحمتکشان بوجود آورند. انتخابات در رژیم سرمایه‌داری تحت سلطه سرمایه و دیکتاتوری بورژوازی قرار دارد و در خدمت منافع سرمایه - داران عمل خواهد کرد. بورژوازی سالوسانه وانمود میکند که دارای رژیمی "دمکراتیک" و "آزاد" است و بنابراین همگان میتوانند با "حقوق مساوی" در سرنوشت خود سهیم باشند. ولی با به گفته تا زمانی که مالکیت خصوصی وجود دارد تا زمانی که قدرت در دست سرمایه‌داران است، تا زمانی که کارگران و زحمتکشان و فرزندان آگاه آنان سرکوب می شوند این گفته دروغین بیشرمانه بیش نیست. لنین بزرگ خطاب به سرمایه‌داران و حکومتهای بورژوائی میگوید:

"شما میگوئید که دولت تان آزاد است. ولی در حقیقت دولت شما حتی اگر یک جمهوری دمکراتیک باشد چیزی نیست بجز ابزاری که توسط سرمایه‌داران برای سرکوب کردن کارگران بکار میرود و هر چه دولت تان آزاد - تر باشد این حقیقت آشکارتر است..... قدرت سرمایه همه چیز است، با را یعنی همه چیز است... پارلمان و انتخابات دست نشانده و همه چون عروسکها خیمه شب بازی می باشند." (دولت)

آری انتخابات در یک جمهوری بورژوائی نیرنگی بیش نیست. ابزاری است برای خواب

بقیه در صفحه ۹

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱۳ کارنامه ...

فرهاد شاکر مظفر	(تهران)
محمدهاشم حارج	(تهران)
مهرداد اسلامی	(تهران)
علی عباسیان	(تهران)
محمدعلی نجاتی	(تهران)
محمد بصیری فر	(تهران)
مسعود اسطاری	(تهران)
علی نوروسنگه گو	(تهران)
حسن موسوی	(تهران)
عبدالصاحب آل داوودی	(تهران)
سید رضا اصفهانی زاده	(تهران)
محمد کسبی	(کازرون)
محمدصفائی	(قزوین)
محمدمرادی	(قزوین)
[illegible] سپهرروری	(آمل)
عبدالله هولاد	(آمل)
حسن کرمی	(آمل)
حمید لاله آبادی	(آمل)
علیرضا شفیع زاده	(آمل)

کمونیستها و انقلابیون شهیدی که وابستگی سازمانی شان مشخص نشده است :

آذر احمدی (تهران)- جلیل کرمی (اهواز) - علی نقی پور (بابل)- بهنام بیگدلی (اهواز) حسن احمدسیماب (مشهد)- عبدالله کریم زاده (سنندج)- انورصالحی (سنندج)- قدرت الله ناصری (بهشهر)- حسن باقری (بهشهر)- احمد علی گر (گرگان)- قنبرا رغمه (لنگرود)- داریا عرفانی (لنگرود)- مجموده فضلی (بهشهر)- آریا حدیدی (مشهد)- مهدی زادرمضان (رودسر) جعفرشاهی (رودسر)- سیروس کوگرد (هشتپهر) فرج دورمنا عی (هشتپهر)- سهراب شهداد (کرمان) محمدیزدانی (بندرعباس)- محمدتقی نصرابی (بندرعباس)- حسین پورقنبری (بندرعباس) محمدعظیمی (بندرعباس)- ناصرمنی ونند (تبریز) کامیارا سماعیل زاده (بندرعباس) عبدالکریم عبداله پور (بندرعباس) حیدر حیدری (تهران)- رمضانعلی آباد (تبریز) رحیم سلیمزاده (تهران)- احمدچشم راه (تهران) - شهفت موسوی (رشت)- یوسف آتش (شیراز)- محمدحسین ذکاوند (شیراز)- ۳ نفرکه هویت آنها اعلام نشده (تهران)- ۵ نفرکه هویت آنها اعلام نشده (تبریز)- ۲ نفرکه هویت آنها اعلام نشده (جالوس)- ۱ نفرکه هویتش اعلام نشده (رامسر)- ۱ نفرکه هویتش اعلام نشده (کرج) - ۸ بیشمرگه قهرمان کرد.

ده ها کمونیست و انقلابی دیگرکه بدست رژیم جلاد حاکم اعدام شده اند و اسمشان اعلام نگردیده است.

یادشان گرامی باد!

بقیه از صفحه ۸. انتخابات ...

گردن توده ها وسیله ای است که بورژوازی میکوشد با توسل به آن توده ها را فریب داده و از وقوع انقلاب جلوگیری نماید بها رلما نتا ریسم دام سرمایه داران برای فریب کارگران و زحمتکشان است. بها رلما نتا ریسم با ماهیت گندیده و ارتجاعی خود وسیله ای است در دست سرمایه داری تا بتوانند ماهیت سرمایه را در شکل دیگری ادامه دهند. و امروز همین پا رلما نتا ریسم گندیده را رژیم جنا یتکار جمهوری اسلامی در منحط ترین و مفتضح ترین شکل خود بما پیش میگذارد. جمهوری اسلامی با هزاران نیرنگ و خدعه، تهدید و ارعاب توده ها را مجبور میسازد تا رای موافق دهند و سپس به آنها میگوید شما "آزاد" هستید جمهوری اسلامی خود اکثر آرا را به صندوقها ریخته و سپس میگوید "انتخابات واقعی با شرکت وسیع مردم" صورت گرفت جمهوری اسلامی کمونیستها و انقلابیون را سربه نیست می کند تا از مردم رای بگیرد و سپس میگوید مردم به ما دلخواه در این انتخابات اسلامی شرکت کردند.

نه! نه رژیم جمهوری اسلامی میتواند آزادی به ارمغان آورد و نه انتخابات اسلامی دروغین آن میتواند انتخابات آزاد باشد انتخابات ریاست جمهوری اسلامی یک انتخابات مسخره و خیمه شب بازی بود تا به اتکا آن بتواند مزورانه چنین وانمود کند که در میان توده ها منزوی و مطرود نبوده و تعرض ضد انقلابی گسترده تری را علیه انقلاب به پیش ببرد. امروز رژیم جمهوری اسلامی با این "پیروزی" ریاکارانه در صدد گسترش بازهم بیشتر سرکوب وحشیانه بر علیه کمونیستها و انقلابیون است امروز رژیم میخواهد بگوید که از نفوذ وسیع برخوردار بوده رژیمی منزوع بشمار آمده و بنابراین حق دارد تا کمونیستها و انقلابیون را قتل عام کند. البته هیچگاه رژیم های سرمایه داری در آمدنکی وحوشخواری بهانه احتیاج ندارند ولی آنها شی که بسوء عملکرد میکنند و دست فریبکاران جهان را از پشت بسته اند بهانه "پیروزی" در انتخابات را به سلاح سلاخی کمونیستها و انقلابیون تبدیل می نمایند و این وضع حال رژیم در دمنش جمهوری اسلامی و تمامی سردمداران جنایتکار و جلادان ماست.

کارگران و زحمتکشان! اگر انتخابات رژیم یک انتخابات مسخره و ریاکارانه است، این امر ناشی از ماهیت سرمایه داری این رژیم است. کارگران و زحمتکشان! شما در تجربه دوساله خود دریافته اید که رژیم حاکم نه نان میتواند بدهد نه آزادی بنابراین پر واضح است که همین رژیم تنها کر هرگز قادر به تامین یک انتخابات آزاد بنفع زحمتکشان نمیتواند باشد. کارگران و زحمتکشان! سردمداران رژیم سفاک جمهوری اسلامی و از جمله خمینی جلاد میگویند این انتخابات آزاد بوده است و نوکران سرمایه داران یعنی رویزیونیستهای خیانتکار حزب توده و فدائیان اکثریت نیز همان تبلیغات کثیف سرمایه داران را تکرار میکنند! ما شما در همین تجربه جدید خود دیدید که انتخابات رژیم فقط به اتکاء ناآگاهی تقلب، دروغ، ارعاب و اعدام پیرا گردید و دوباره نماینده سرمایه داران و تجار انتخاب شد بنابراین شما در همین تجربه خود نه تنها دروغین بودن این انتخابات بلکه دروغین بودن حرفهای خمینی ها و غاشتین رویزیونیست را نیز دریافتید کارگران و زحمتکشان! لیبرالهای ارتجاعی مانند بنی صدر مکارمیگویند انتخابات رژیم جمهوری اسلامی تقلبی است اما انتخاباتی که تخت رهبری آنان باشد واقعی است. این نیز فریبی بیش نیست. دولت و مجلس بنی صدر ماهیتا همان دولت و مجلس سرمایه داران است و طبقه کارگر هرگز به چنین دولت و مجلسی اعتماد نخواهد کرد چرا که می داند لیبرالهای ضد انقلابی فقط فریبکارانی هستند که میکوشند بسر دوش توده ها سوار شوند و انقلاب را در مسلخ بورژوازی به خون بکشانند.

رفقا!

در تکثیر و پخش پیکار

با تمام قوا بکوشید و مشت

محکمی بر دهان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بکوبید.

کارگران، زحمتکشان

شماره ۱۱۴ پیکار در هنگام چاپ مورد یورش ضد انقلابی ارتجاع قرار گرفت و ضبط گردید. به این لحاظ و بدلیل ضربه ارتجاع، در شکل ظاهری پیکار تغییری حاصل شده و در این شماره حالت فوق الماده به خود گرفته است.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

از وصیتنامه کمونیست پیکارگر، رفیق محسن فاضل (رفیق سامی)، لحظاتی قبل از اعدام در زندان اوین

... یاد درود به شما ای شهدای راه آزادی و حاکمیت طبقه کارگر

یاد درود به شما ای رزمندگان راه آزادی حاکمیت طبقه کارگر

تا لاقره شعدار ۱۳۹ روز در زندان محبوس بودم و محروم از همه چیز، در چنین موقعیتی با یک دادگاه سریع، محکوم به اعدام شدم. اینها ماشی بر نقشه من عنوان شده که هیچ دلیلی بر آن موجود نبود و سعی میشد با شعار و صرفا بر اساس حدسیات آنها اسیر و بدون من از آنها بری گشتم ولی اینها به این مسائل کاری نداشتند. مساله اساسی اینست که من انقلابی هستم و مارکسیست؛ و مارکسیست در قاموس آنها مرتد است و محکوم به اعدام. فقط یک راه برای ادامه زندگی من هست و آنهم راه زندگی ای خفت بار، بخشی از حکومت آنها بر زندگی ای خفت بار، بخشی از حکومت آنها بر زحمتکشان و سرکوبی انقلابیون و مبارزین. مهم نیست. در طول ۱۲ سال که شده در هزاران مورد با خطر مرگ مواجه شدم و از آنها جسم ولی بالاخره در جمهوری اسلامی افتخار آفرید که من در راه آن سر بسپرم. مهم طول زندگی و حداکثر سال نیست و با کمیت نیست. مهم این است که چه محتوائی در این زندگی نهفته بوده است و من خوشحالم و آسوده ام که زندگی با حدی سرشار بوده است. شاید از دو سال قبل، البته ساها در زندگی من دست و پنجه نرم و لی امیدوارم با بندی می بسته آرمان پرولتاریا و وفاداری می با آخرین لحظه به سنتها ئی که با رفقا و حسن کمونیستی و شهادت داشته ام، وجون من، ایران آن باشد. در سنتها این دوره زندان، شعار من مقاومت در برابر زندان و سنتها که نیها می تواند پرسرسربرنده بود. و مقاومت کردم. من برای سنتها حد نهایت سعی را دارم. شعار من شعر مقاومت و شعر وفاداری و مبارزه است. هرچند که تواضع من اجازه نمیدهد سنتها بر سنتها یم. من خوشحالم که لیاقت شهادی را که رفقا به من اجازه دادند پیدا کردم. گلوله ای که شعار من شعر من و رفقای دیگر میبرد، بسان دهنده درسی و صحت راه ما و نادرستی راه شما است. چون من و آنها برای شما سیاسی هستیم و پیروزی در راه مبارزه و انقلاب را دیدم. من قطره ای خواهم از رود خروش و جوشان پیروزمند کمونیستی بودن افتخار این را که سایه آخر، حقیر و قطره ای از این رود بوده ام.

یاد شهدای جاوید ما گرامی باد

زندان و دربهای چوبه دار به من شیرووا میدهد میدهد. ستاره صبح بالاخره خواهد دمید. راه سوسیالیسم، اگر احتیاج به هزاران هزار شهید از ما کمونیستها داشته باشد، تمام رفقای ما پیکر آماده این فداکاری برای این آینده بوده و هستند. ما برای آینده ای پرشکوه برای زحمتکشان و پرولتاریا مبارزه میکنیم و نه برای مرگ با شکوه، ولی هرگاه مرگ و رنج های مختلف بهر صورت، برای طی این مسیر ضروری باشد، کمترین چیز در نزد ما همین جان است.

رفقا! برای سوده ها راجع به من و دیگر شهدا وفاداری آنها به سوده ها، خواهد گفت. سوده های فلسطینی که سامی را از نزدیک می شناسند و در صحنه های مختلف و کارهای مختلف با او بوده اند، او را می شناسند. به آنها بگویند که سامی در واقع در راه رهائی و آزادی آنها و تمام سوده های محروم منطقه از جمله کار سرمایه داری و امپریالیسم جنگید و شهید شد. رفقا! درس بسیار مهمی که در زندان گرفتم از تحلیل کذشته زندگیم بوده و رفقا یک آن برای درک مارکسیسم انقلابی در شرایط ایران و ارزیابی و تطبیق آنرا با پدهدرداد. در مورد اشتباهها و کراسات بورژوائی در درون خود با تمام قوا مبارزه و کمونیستی عمل کرد. این آفت انقلاب ما و ما رمان است. رفقا! اقشای خاصی روبرو هستند بهر رنگ و شکل خاص رشد و کوشش انقلاب است و هیچ ملاحظه ای نباید در این راه کرد. من عمری را در واقع تلف کردم که نمیتوانستم کراسی به انقلاب و کرایش به پا سفیسم منزلزل بودم که در حد خود ضربه هائی به کار و خود زدم.

رفقا! راجع به تضاد امپریالیستها در تقسیم جهان و بحران کاپیتالیستی و تاثیر آن در تحولات منطقه و جنگ موجود (ایران و عراق) با بستی مطالعه جدی نمود. رفقا! من زندگی را دوست داشتم. دوست داشتم برای اینکه مبارزه کنم و زندان را دوست داشتن و اجبار میکذارم چون به مسائل بسیار مهمی رسیده ام و توانستم شور مبارزه انقلابی را در زندان نیز داشته باشم. رفقا! رنج زندان، بیش از اینها حسرت است که ما کمونیستها و انقلابیون را از راهمان باز دارد. من مطمئن هستم که من و دیگر شهدان با ید در وجود شما و دیگر انقلابیون، زنده هستیم و در جریان و مبکنیم و آزادی زحمتکشان، شهر را شما و آنها ئی خواهیم کوفت.

من بروسی ندارم که راجع به آن وصیت کنم هر آنچه در اینجا همراه من است و هر چه که به اسم من بوده و یا خواهد بود متعلق به شما و سازمانم میباشد. بخشی از آن هدیه ایست به خانواده ام که در آن کذشته ام صرف شود. آن قطعه زمینی که خواهد بود متعلق به من بدهید تا مثل همین قضیه و امیر است. در مرگ من کسی نباید سیاه بپوشد و سوگواری کند. برای من این مضحک است که شهید شدم و برای شما هم نباید بکی باشد. خودما در و غیر از اینها را دوست داشتم و برایشان آرزو میکنم که بتوانند مسئولیتها را بهتر از من به عهده بکیرند. چون من و آنها برای شما سیاسی هستیم و فروتنی در راه مبارزه و انقلاب بوده است. من قطره ای خواهم از رود خروش و جوشان پیروزمند کمونیستی بودن افتخار آفرید که سایه آخر، حقیر و قطره ای از این رود بوده ام.

رفقا! بخشی از وصیت مرا در مورد مسائل خانوادگی ام در دست برادرم است. من به او و همسرم اعتماد دارم و مطمئنم که وصیت مرا عمل خواهند کرد. رفقا! من به شما اعتماد دارم و مطمئنم که وصیت مرا عمل خواهید کرد. رفقا! من به شما اعتماد دارم و مطمئنم که وصیت مرا عمل خواهید کرد.

بقیه از صفحه ۱ تنها هم ...

این رژیم در آستانه بین بستی قرار گرفته است که علیرغم بهره گیری از عظیم‌ترین دستگاه فریب و دغلکاری و عوامفریبی، در همین مدت دو سال و نیم تنها در عنا یاتی مرتکب شده که برای آن را به یکی از ضدانقلابی‌ترین رژیم‌های ارتجاعی جهان تبدیل نموده است. رژیم نه تنها نخواست از امپریالیسم و محرومیتهای توده‌های مردم ما استفاده و خشنا نه کارگران و زحمتکشان را بیان دهد بلکه بدلیل ماهیت ضد مردمی و سرشار به‌دارانه‌ای، هزاران بدبختی و فلاکت و جنایت دیگر برای توده‌ها به ارمغان آورد. گشتارهای شهرها و روستاها بخصوص گشتار و بمباران شهرهای کردستان، فشار روزافزون گرانی و بیکاری بر کارگران و زحمتکشان، تنها چند نمونه از صدها نمونه‌ای است که رژیم برای سرکوب جنبش انقلابی توده‌ها به آن دست زده است و ... و سالها دست به جنایت و کشتار زده و خشونت و بربریت را به اوج رسانده است. اما با همه این‌ها رژیم نه تنها نخواست بلکه نتوانست از عهده حل هیچ یک از مشکلات و معضلات اساسی جامعه برآید. نه تنها نتوانست به خواستهای انقلابی توده‌ها پاسخ مثبت دهد بلکه حتی نتوانست به خواستهای ارتجاعی بخش‌های مختلف بورژوازی جامه عمل بپوشاند. نه تنها نتوانست به تضادهای درونی خود پایان دهد بلکه بر دامنه آن افزود. نه تنها نتوانست بر بحران اقتصادی فائق آید بلکه بر عمق آن افزود. نه تنها نتوانست بر نارضایتی توده‌ها غلبه کند بلکه بر دامنه آن افزود. نه تنها نتوانست بر انزوای خود در صحنه بین‌المللی غلبه کند بلکه بر انزوای خود افزود. نه تنها نتوانست بر مقاومت توده‌ها غلبه کند بلکه بر مقاومت توده‌ها افزود. نه تنها نتوانست بر بحران سیاسی غلبه کند بلکه بر عمق آن افزود. نه تنها نتوانست بر بحران اقتصادی غلبه کند بلکه بر عمق آن

←

دشمن بنا برماهیت طبقاتیش نسبت به ما نظر دارد و کینه توزانه برما می تازد. رفقای ما را به شهادت می رساند و به شکنجه های دیوانه وار دست میزند این نشان میدهد که تیرهای آگاهی دهنده ما بهدف اصابت نموده است. رژیم می خواسته است در سایه جهل و تاریکی، ماهیتش مخفی بماند تیرهای نورافشان ما و دیگر نیروهای کمونیست و انقلابی، چهره کریه او را بنمایش گذاشته است. بنابراین چرا با غیظ و نفرت با ما برخورد نکند؟ او ما را "مرتد و ملحد و باغی" خطاب می کند ولی آیا جز این است که بدلیل افشاگران ماهیت ارتجاعیش. فقط برا عتبار ما میافزاید و آیا جز پشت گداز این پس توده های آگاه و گلمانی چون "مرتد و باغی و ملحد" را خیلی بسه واژه های انقلابی و مقدس نمی بینند؟

آری، کارگران و زحمتکشان ایران در روزهای روز مره خویش میاموزند که چگونه و چه نیروهائی در کنار آنان و برای آنان مبارزه پیگیر تر و جسورانه و با چه چهره کریه و ددمنشی رژیم جمهوری اسلامی روبرو است. ما مطمئنیم که بخواست مبارزه امروز ما، بخواست انقلابی و پرحوصله ما خشم و نفرت طبقاتی عظیمی است که هم اکنون در بخش وسیعی از توده ها ذخیره شده و دیر یا زود طوفانی سرخواهد اکید که بنیاد رژیم جمهوری اسلامی را برخواهد افکند. اگر مرتجعین هرگز بنا برماهیت طبقاتیشان نمی توانند از تاریخ درس بگیرند، توده های آگاه ما، از همین پرشکوه بهمن ماه این درس را گرفته اند.

ننگ و نفرت بر سردمداران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد انقلاب

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

خمینی جلاد خون می ریزد

درسراسر بحران فزاینده اقتصادی و سیاسی و در برابر مقاومت و مبارزه توده ها، رژیم جمهوری اسلامی بنا برماهیت ارتجاعی اش هیچ راهی جز سرکوب انقلاب ندارد. برای تثبیت این رژیم ضدخلقی چاره ای جز برافروختن هر چه بیشتر آتش جنگ داخلی و غرق کردن ایران در خون علیه کمونیستها و انقلابیون نیست. طی دو سال و نیم گذشته انواع شیوه های جنایتکارانه و شیطانی توسط خمینی و رژیم او بکار گرفته شده و هیچ یک از این شیوه ها از احساسات مذهبی و توهمات توده ها علی گردیده ولی هیچیک رژیم را نجات نداده است. سرکوب های مستمر هر که از فردای قیام بهمن دامنگیر نیروهای رژیم شاه گردید و هر که "برافراشتن چوبه های دار در میدانهای شهر" را به صورت تیربارانهای روزانه ترین جوانان کمونیست و انقلابی به مرحله اجرا درآورده طی قریب یکماه و نیم حدود ۴۰۰ تن از کمونیستها و مجاهدین اعدام شده اند. کینه توزانه ترین برخوردها به نیروهای کمونیست و انقلابی و خانواده های آنان عملی شده است. جوانان ۱۰ تا ۱۲ ساله از دختر و پسر و زنان باردار و در بسیاری موارد صرفا به "جرم" داشتن خانه تیمی یا پخش اعلامیه و حتی داشتن عقیده و مرام مخالف با ارتجاع حاکم به جوخه اعدام سپرده شده اند بی آنکه محاکمه ای در کار باشد. جنایتکاران حاکم نه از یورشهای دلیرانه به خانه ها، نه از دستگیریهای بی حساب و کتاب، نه از شکنجه هائی که روی ساواک را سفید کرده، از هیچکدام دریغ نکرده اند. وقاحت و سبعیت بودن این اعمال که همه حاکی از ماهیت سرمایه داراته و ارتجاعی رژیم و کینه طبقاتی آن علیه کارگران و زحمتکشان است بحدی است که نمونه آنرا در تاریخ رژیمهای خونخوار کمتر میتوان سراغ داد.

- و ما هیچ دانش آموزی انقلابی را "بجرم" شعار نویسی دستگیر کرده اند و اکنون او را اعدام کرده اند!

- افرادی را بجرم خویشاوندی با انقلابیون بی هیچ مدرکی، تیرباران کرده اند!

- بهمت مورد یک انقلابی را طی شکنجه وحشیانه از پا درآورده اند!

- در اعیاد شهیدان مناسبت که شکنجه هائی از کوشت بدن آنان بریده و کوه کرده اند!

- اعیاد شهیدان را مثل لاله از زندان اوین در کارگاهون ریخته اند بطوریکه علوی برشک فانوسی جون از کاهون سرازیر شده است.

- کینه توزی را بحدی رسانده اند که از تحویل اجساد به خانواده های داغدار هم امتناع کرده اند!

- دژخیمان با را از اسب هم فراتر گذارده اجازه نداده اند که اجساد شهیدان کمونیست در گورستان عمومی دفن شود و حتی اجسادی که یکسال از دفن آنها می گذشته مانند مزار رفیق شهید تقی شهرام پور رفیق شهید محسن فاضل از زیر خاک بیرون آورده و در جای دیگری در گورستان غیر مسلمانان دفن کرده اند. از نظر کمونیستها که در راه رهائی کارگران و زحمتکشان جان خویش را فدا کرده اند مهم نیست که در کجا دفن شوند خراکه آسمان در قلب توده ها برای همیشه زنده اند ولی این وحشی رژیم را از اعماد شهیدان کمونیست عمق کینه یکی و کینه طبقاتی کیانی را نسبت به هدفکه بخصمانه با بکار گرفتن دست آوردهای قیام توده ای بهمن ماه ۵۷ هم اکنون قدرت سیاسی را در دست دارند.

در شرایط رشد مبارزات توده ها، در شرایطی که نارضائیهای توده ها روز افزون است، در شرایطی که هیچیک از اهداف انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی توده ها محقق نشده است، این اقدامات فاشیستی رژیم جز آنکه ناقوس مرگ این رژیم را به صدای رسا تری بنوازد و موجبات سقوط حتمی و تاریخی این رژیم را سرعت بخشد نتیجه دیگری نخواهد داشت. توده های رحمتکش و در پیشاپیش آنان کارگران و نیروهای کمونیست و انقلابی در راه تحقق خواستهای دمکراتیک انقلاب بپا خواهند خاست.

درخشان باد ممکن و آزادی و برقراری سوسیالیسم بپای خواهد کوشید. این حکم تاریخ است.

رفقا!
باتقدیر از کمک های مالی شایان توجه و گرانبهای شما، کمک های مالی خود را از هر طریق ممکن برای سازمان ارسال نمایید.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱۲ کارنامه ...

رهبری کدامین (اقلیت)

محمدسلطانپور (تهران)
علیرضا النعاسی (اصفهان)
مسعود فرزانه (اصفهان)
علی حسینی (تهران)
وحید محسنی کبیر (لاهیجان)
خسرو دانش (سنندج)
شمس رمضانی (سنندج)
علی اکبر حیدریان (بجنورد)
مهدی سوهنی (سربند)
محمد سالاری (کرمان)
کاظم کاررودی (کرمان)
علی یاسری قمی (رشت)
ابراهیم خلاقی (رشت)

فدائی شهید حمام چهارکنزیت

وحید قمصلسله (تهران)

یک رهبر راه کارگر
ارجریکهای فدائی

نوروزرفاسجی (شیراز)
حضیر قمیرزاده (تهران)
منوچهر اویسی (تهران)
بهمن آذریان (تهران)
علی حمیدی (جالوس)
حسن دوستی (جالوس)
اکبر فلاح (جالوس)
احمدرضا نژاد (جالوس)
رمضانعلی دلاورمقدم (جالوس)
روح اکبر عباسی زاده دهقان (شیراز)
اصغر آذری (شیراز)
جلال هاشمی سنگسفیدی (شیراز)
سیروس ناوند (ساری)
محسن رحیمی (تهران)
علیرضا دارستانی (بابل)

ارتباط با مجاهدین

احیا عنبرجان (شیراز)
محمودمحبوی آراه (شیراز)
رضا خوباتپور (شیراز)
حسن سحرامیهای (اصفهان)
حسن خوش قامت (اصفهان)
سهیلا مهدی فر (اصفهان)
حیدر کلاهی مرکحصه (تهران)
داود فرهادی (تهران)
عبدالله مرادی (تهران)
محمود مرکحصه (تهران)
محسن آقامیری (اهواز)
علی محمدمحمدی (آمل)
رضا حسینی (آمل)
سیمه مهدی (اهواز)
محسن سحرآبادی (تهران)
محمد حکیمی (تهران)
محسن ابراهیمی (تهران)
حیدر خاکسی (تهران)

رحیم آقاطلمه‌ای (تهران)
مهدی نیرومند (تهران)
حیدر حسین درست (تهران)
حسین مدقیان لو (تهران)
بهروز مولائی (تهران)
رضا باغچه‌دوست (تهران)
علی اصغرنوری (تهران)
محمد رضا سربع القلاق (تهران)
علی صبور (تهران)
زهرا ابراهیمیان (تهران)
کبری ابراهیمیان (تهران)
طهمورث حسینی (تهران)
اصغر فاسبی (تهران)
محمد اصفهاد (تهران)
حسین علی دیانتی (تهران)
علیرضا فرشباف (ساری)
حسن دهقان نژاد (ساری)
مسعود بزرگی (شیراز)
مالک نجفی (بهشهر)
حسن شیربان (بهشهر)
ذبیح الله رحیمیان (بهشهر)
سیامک ... (لاهیجان)
محمود فرخی (لاهیجان)
علیرضا رستمی (مسجدسلیمان)
علی اکبرمشکوری (بهشهر)
عباس صباغ (بهشهر)
موسی زاهد (بهشهر)
حسین فضلی (تهران)
سیدمهدی طباطبائی (تهران)
عادل کرمی (تهران)
محمد سعادتی (تهران)
ابراهیم نجیب (تهران)
محمدعلی پور (تهران)
مهدی دانیالی (انزلی)
اردشیرآبادخیر (انزلی)
منوچهرزاده (قائمشهر)
قدرت الله محسنی (قائمشهر)
احمد نوری (لاهیجان)
حسین طبری زاده (گرگان)
مهران شیرنگ (لنگرود)
پرویز جعفریان (نور)
ایرج جلائی (آمل)
حجت الله ارجمندی (آمل)
علیرضا مجیدی (اصفهان)
حسن ابودردا (اصفهان)
یدالله یوشی (بهشهر)
حسن چکیمی (گنبد)
احمد ملک اعظمی (بابل)
ناصرعلی هاشم عبدالوات (مشهد)
رضا حاتمی (شیراز)
احمد حاجیان (شیراز)
محمدحسین عالیزاده (کرمان)
ابراهیم وفائی پور (رشت)

بهرام قاسم خانی (بهشهر)
فریدون عظیمی (بهشهر)
عباس سعیدی (بهشهر)
حسن علی بهائی (بهشهر)
محمد بهابیدی (بهشهر)
حسین جدید (بهشهر)
سعید مجددین (بهشهر)
غلامرضا رضائی (بهشهر)
احمدعابدیان امیری (بهشهر)
سیدحسین ناصیری (بهشهر)
مصطفی محمدعلی بورکاکرودی (بهشهر)
علی اکبر مرروسی (بهشهر)
محمدرضا سعادتی (بهشهر)
سیدقاسم حسینی (گرگیان)
موسی برارکوهی (رشت)
کیومرث محمدقلی زاده (ساری)
عیسی داراشی (ساری)
۲ مجاهد بی نام (اصفهان)
سیدباقرمرادشاه ابراهیمی (بهشهر)
حسین حسنی سیاهوشکی (بهشهر)
محسنی فریاسی (رودبار- رشت)
کورش رضوانی (رشت)
سیدحسین مرتضوی (بهشهر)
علی اصغررضا بیجی (بهشهر)
امین ارجمایر (بهشهر)
رضا حاجی ملک (بهشهر)
غلامعلی حیدری (بهشهر)
غلام دیبوی (بهشهر)
مجاهدین شهیددراروميه ،گرگان وآمل
فرزاد عباسی - قدرت الله عباسی - صالح
خواجه- عبدالله جنگ - حسین برخوش - محمد
سید اشرف - رحمت فلاح-یحیی جان پور- محمد
معراج - فاشزه بی همال -
احمدرضا شادمانی (بهشهر)
محمدعلی جباری (بهشهر)
ابراهیم مطلبی (بهشهر)
سید مصطفی نورا (بهشهر)
قاسم کبیری (بهشهر)
ابراهیم بابازاده (بهشهر)
پیروم بنافشان (بهشهر)
محمد قریشی (بهشهر)
محمدرضا آتش فراز (بهشهر)
محمدحسین عباسپور (بهشهر)
جواد سیاری (بهشهر)
مشین گیاهی (بهشهر)
سیروس رستگار سهرابی (بهشهر)
غیرور فرهادیان (بهشهر)
حبیب حیدری (بهشهر)
احمد حیدری (بهشهر)
عادل فخمه (بهشهر)
عطاالله حاج محمودیان (بهشهر)
محمدرضا حسینی (بهشهر)
حمید ایمانی جوجو (بهشهر)

بقیه در صفحه ۹

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

کارنامه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی از آغاز تیرماه تا نیمه مرداد ۶۰

تیرباران حدود ۴۰۰ کمونیست و انقلابی توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی

جنایات سیستم رژیم جمهوری اسلامی، این سگ زنجیری بورژوازی که برای حفظ و تحکیم پایه های لرزان حاکمیت ارتجاعی کنونی سنگ تمام گذاشته، تا کنون شامل موارد متعددی است. فرزندان کمونیست و انقلابی زحمتکشان ما که صدها تن از رزمندگان رژیم های گذشته را نیز در خود جای داده است، در خونین ترین وضعیت ها، در زیر شکنجه های وحشیانه، در مقابل جوخه های اعدام، در زندان ها و در خیابان ها، با شجاعت و قهرمانی تمام، در دفاع از آرمان های طبقاتی خود، در دفاع از منافع زحمتکشان و در دفاع از آرمان های کمونیسم، جان خود را فدا کرده اند. کمونیست ها و مبارزان راه آزادی، در تمام طول تاریخ مبارزات طبقاتی، همواره با دشمنان طبقاتی خود، با بورژوازی و عوامل آن، با سرمایه داران و زمینداران، با ارتجاع و ضدانقلاب، با امپریالیسم و سلطه گران جهانی، با سرکوب و اختناق، با شکنجه و اعدام، با زندان و تبعید، با فقر و گرسنگی و بیکاری، با بی حقوقی و بی عدالتی، با ستم و استثمار، با جهل و خرافه، با بی سوادی و عقب ماندگی، با تبعیض و نابرابری، با ستم ملی و مذهبی، با تجاوز و جنگ افروزی، با فحشا و اعتیاد، با بی خانمانی و آوارگی، با بیماری و مرگ و میر کودکان، با بی آبی و خشکسالی، با آلودگی محیط زیست و با هر آنچه که مانع رشد و تکامل جامعه و انسان است، مبارزه کرده اند. مبارزه ای که گاه با پیروزی و گاه با شکست همراه بوده است. مبارزه ای که گاه با سرکوب و اختناق و گاه با آزادی و علنیت همراه بوده است. مبارزه ای که گاه با ضربات سهمگین دشمن و گاه با ضربات کوبنده انقلابیون همراه بوده است. مبارزه ای که گاه با عقب نشینی و گاه با پیشروی همراه بوده است. مبارزه ای که گاه با ضعف و گاه با قدرت همراه بوده است. مبارزه ای که گاه با تحمیل شکست و گاه با کسب پیروزی همراه بوده است. مبارزه ای که گاه با ... و گاه با ... همراه بوده است. مبارزه ای که گاه با ... و گاه با ... همراه بوده است. مبارزه ای که گاه با ... و گاه با ...